

دانشجویان مرگ پرست!

[یونس یونسیان - محقق • فاطمه عباسی زاده - روان شناس]

پسل مدیریت پلی است در شمال غرب شهر تهران. این پسل بین دو بل قسار گرفته و بزرگراه شهید چمران را به بلوار دریا متصل می کند. پلی مدیریت برای خیلی از اهالی و ساکنان تهران بیش از اینکه یادآور یک بل باشد به نماد و نشانه ای از خودکشی و جنایت بدل شده است. برتاب شدن دانشجویی دانشگاه تهران و خودکشی اش در روز ۱۵ اردیبهشت حرف های بی سر و ته مستولان و مدیران دانشگاه در خصوص این اتفاق و ارتباط دادن دوباره و همیشه این حوادث به موضوع مشکلات روانی و خانوادگی دانشجویان بنده را وا داشت تا با نغنی به تاریخ پل مدیریت و یادآوری داستان جنایت پل مدیریت و ارتباط آن با خودکشی اخیر به روشن شدن برخی موارد کلیدی و روانکاوانه کمک نمایم. نکته اول اینکه هیچ وقت و هیچ گاه نمی توان کلیت و ساختار کامل یک اتفاق و حادثه منتج به جنایت و خودکشی را به مشکلات خانوادگی و روانی فرو کاست. این نگاه تقلیل گرایانه و فرو کاست گرایانه درصداست تا به سرعت و با بی رحمی تمام همه حادثه با اتفاق را به چند عامل کلیشه ای و کلی ارتباط دهد. وقت آن رسیده است که با دقت و رصد حساب شده و روانکاوانه به سراغ این اتفاق ها برویم. و به جای اینکه قصاص متهم و رفع جریحه دار شدن افکار عمومی در اولویت اولی باشد، تقدم را به بررسی دقیق دلایل حادثه و جلوگیری از تکرارش بدهیم. موضوع خودکشی در فرد می شود. اما هنگامی که میزان خودکشی افزایش پیدا می کند و وضعیت غیر عادی شکل می گیرد، خودکشی از یک پدیده عادی و فردی تبدیل به مسئله ای اجتماعی می شود. در چنین حالتی ما باید به دنبال پارامترهای جامعه شناختی مسئله بگردیم. هنگامی که خودکشی در مکان های عمومی که افراد شاهد آن هستند رخ می دهد، عکس العمل فرد نسبت به جامعه را نشان می دهد و نوعی اعتراض به شرایط حاکم است. مثال این امر خودکشی هایی است که در مترو تهران بارها انجام شده است. نهاد خانواده در ایران، با وجود اینکه میان مدرنیته و سنت در تعارض است، به هیچ وجه نمی تواند به گذشته بازگردد. این در حالی است که سیاست های اجتماعی و اقتصادی کشور ما عمدتاً تعریفی سنتی از خانواده دارند. بر اساس اخبار منتشر شده دانشگاه فنی دانشگاه تهران به دلیل مشکلات خانوادگی سه شنبه گذشته (۱۵ اردیبهشت) دست به خودکشی زد. مدیر کل روابط عمومی دانشگاه تهران سید احمد رضا خضری در خصوص خبر خودکشی یکی از دانشجویان دانشگاه تهران گفت: «خبر خودکشی این فرد که دانشجوی دانشگاه فنی دانشگاه تهران بوده متأسفانه صحت دارد و علت و جزئی اقدام وی در دست بررسی کامل قرار دارد.» او با اینکه اقدام به خودکشی این دانشجو خارج از دانشگاه صورت گرفته گفت: بررسی های فعلی نشان می دهد که این فرد دارای مشکلات خانوادگی و روحی بوده و دست به خودکشی زده است. مهدی. م دانشجویی ترم هشت دانشکده فنی دانشگاه تهران، ورودی سال ۱۳۸۷ و ساکن تهران بود که سه شنبه گذشته با پرتیدن از روی پل مدیریت دست به خودکشی زد. در صحبت های این مقام مسئول و در بسیاری از موارد مشابه شاهد هستیم که فرد مسئول از واژه «خارج از دانشگاه» استفاده کرده و به نوعی خیال خودش و همه را راحت کرده که چون اتفاق در بیرون از دانشگاه رخ داده است، پس دیگر جای بررسی و توجه از ناحیه دانشگاه را ندارد و مسئولیت از گردن ما افتاده است. به این مقام مسئول باید گفت که پس با این حساب اگر دانشجویان دانشگاه شما در خارج از دانشگاه به صورت یک استاد و عضو هیئت علمی سلبی بنوازند هم آیا اینگونه نتیجه گیری می نمایید؟! جنایت پل مدیریت تهران رویدادی است که ساعت ۵ بعد از ظهر چهارشنبه، پانزدهم تیرماه ۱۳۹۰ روی پل عابر پیاده پل مدیریت تهران رخ داد و در آن پسر دانشجویی به نام کوشا بوستاد و دو ساله همکلاسی خود به نام مهسا بیست و دو ساله را با بیست و شش ضربه چاقو به قتل رساند. هر دو آن ها دانشجویی سال آخر رشته ادبیات فارسی در دانشگاه علامه طباطبایی بودند. گفته می شود این قتل به دلیل پاسخ منفی مهسا به ایجاد رابطه و کوشا رخ داد. در روز حادثه کوشا مهسا و دوست همکلاسی اش را از موتورسیکلت تعقیب می کند و زمانی که آن ها روی پل عابر پیاده هستند با پویش صورتش به آن ها حمله می کند. پس از آن قاتل با داستان خون آلود سعی می کند خود را به موتورسیکلتی در پایین پل برساند، اما در حلقه رهگذاران خشمگین گرفتار می شود. شاهدان این حادثه که اغلب از ساکنان محله یا کسبه ده وک هستند ضارب و محاصره و دستگیر می کنند و بلافاصله قربانی را با اولین وسیله نقلیه ممکن (یک واوت) به بیمارستان منتقل می کنند در این حادثه، مهسا جان سپرد و دختری که همراه او بود، از ناحیه هر دو دست مروح شد. قاتل که ۲۲ سال داشت در صحنه جنایت دستگیر شد و تحقیقات نشان داد وی علاقه زیادی به مهسا داشت. کارشناسان پزشکی قانونی پس از بررسی های تخصصی، او را سالم دانستند. این پسر در بازجویی ها ادعا کرد مهسا نه تنها وی را دوست نداشته بلکه کوشا می کرد و همین باعث شد تا تصمیم بگیرد وی و کوشا را از بین ببرد. کوشا گفت: «هیچ امیدوری برای آینده من نداشتیم. مرگ بهترین انتخاب برای من بود به خاطر همین می خواستم مهسا را که عشق من را به نفرت تبدیل کرده بود کشته سپس خودم را از بین ببرم. چون دانشگاه تعطیل بود بارها جلو دانشگاه علامه طباطبایی کمین کردم تا وقتی مهسا، برای دیدن نمازش به آنجا می آید او را به قتل برسانم تا اینکه روز چهارشنبه او را دیدم و تا روی پل دنبالش کردم.» او در اظهارات دیگری گفت: «این ماجرا به شدت ناراحتم و از قتل مهسا و پشیمانم چرا که نمی خواستم او کشته شود. هنوز هم نمی دانم چرا چنین کاری کردم و از خانواده و مجالتی می کشم که تا آخر عمر داغدارشان کردم. اما هنوز هم می گویم من مهسا را خیلی دوست داشتم در این مدت خیلی ها به من گفتند چرا به خاطر یک دختر دست به چنین جنایتی زدم اما خودم هم نمی دانم. با این حال دو سال قبل که او را دیدم با خود گفتم او تنها کسی است که می تواند خوشبخت کند. اما وقتی با پاسخ های سرد و منفی اش روبه رو شدم با خود گفتم بالاخره اقتدر تلاش می کنم تا نظرش را جلب کنم. اما او هیچ توجهی به من نداشت و نه تنها نظرش تغییر نکرد بلکه از رفتار و کردار من طور متوجه می شدم که مرا مضحکه قرار داده است. کم کم احساس کردم دوستان خودم هم به خاطر بی توجهی های مهسا مرا مسخره می کنند غرورم شکسته بود و این بدترین حسی بود که در زندگی تجربه می کردم. با گذشت زمان کینه ام از این دختر بیشتر شد و دنبال راهی برای انتقام جویی می گشتم چرا که با خود می گفتم باید ثابت کنم هنوز هم غرور و شخصیتم را حفظ کرده ام. به همین خاطر فکر انتقام از او هر روز در من پررنگ تر می شد تا بالاخره روزی را برای این کار انتخاب کردم که می دانستم شیرین ترین روز زندگی مهسا است. او بی صبرانه در انتظار دریافت نتیجه زحمات ۴ سال تحصیلیش در دانشگاه و تدارک جشن فارغ التحصیلی بود.» پدر کوشا که ۶ روز پس از جنایت هولناک خود را به تهران رسانده بود، در حالی که ادعا می کرد از جنایت پسرش بی خبر بوده، با حضور در اداره دهم پلیس آگاهی تهران، خواستار ملاقات با پسرش شد. وی که از شنیدن خبر به شدت شوکه بود، گفت: «باورم نمی شود پسرم کوشا چنین کاری کرده باشد او پسر دشتخوان و آرامی بود و هرگز خلاقی از او ندیده بودیم.»

آفتاب یزد-ساراعلابی:امان از شبکه های

مجازی و موبایلی، امان از نبود فرهنگ استفاده از این ابزار، امان از شایعه پراکنی و امان از مردمی زودباور که تنها منتظرند خبری به دستشان برسد ولو عجیب، اغراق آمیز و غیرموتق تا آن را در عرض چند روز چنان اشاعه دهند که هول و ولا به جان نیمی از مردم کشور بیفتند. از روزی که وایبر و فیسبوک و لاین و به تازگی هم تلگرام پای ثابت هر خانه ای و خانوادهای شده بازار شایعه های من دراوردی و شاخ درآر هم حسایی داغ شده است. جالب آنکه هر چه وجوه اغراق آمیز و عجیب در این پیامها بیشتر باشد میزان باورپذیری آن نیز بیشتر می شود؛ گویی برخی آمادهاند تا اخبار عجیب و دماغ درازی مثل "امن زلزله در پیشتری در تهران تا چند ساعت دیگر"، "الوده شدن خرماسای وارداتی به ماده شیمیایی «کسالات آمونیم» توسط داعش"، "هشدار رئیس بیمارستان فلان نسبت به کور شدن ۱۰ نفر در پی نوشیدن دلستر" و... را ببینند یا بخواهند آن وقت تنها در عرض چند ثانیه اینگونه پیامها را برای تمام دوستان وایبری، فیسبویی، تلگرامی شان بفرستند بی آنکه بدانند آیا خبر با عقل جور درمی آید یا خیر؛ گویی قرار است به کسانی که بیشترین پیامها را در این شبکه ها رد و بدل می کنند جایز نفیس انداخته شود! جایزی که عایدی آن چیزی نیست جز بازی با اعصاب و روان مردم؛ مردمی که گاهی از سوراخ سوزن رد می شوند و گاهی از در دروازه نسه؛ گاهی خبری واقعی را چنان با اطمینان قلبی شایعه می پندارند که گویی خود آنها چنین خبری را نشر داده اند و گاهی چنان خام یک پیام بی اساس و اغراق شده می شوند که تا چند شب از شوک آن خبر، رابطه خواب با آنها می شود عین جن و بسم... انگار نه انگار که همین دوسه ماه پیش بود که شایعه انتقال ایدز از طریق انجام آندوسکوپیی دغذغه های بشمار مسرد از کرایه خانه گرفته تا ترس از حذف یارانه ها و افزایش نجومی قیمت ها را دوچندان کرد تا جایی که حتی عده ای طی آن مدت با وجود زرزو کردن زمان انجام آندوسکوپیی و حیاتی بودن این آزمایش برای تشخیص بیماری شان از انجام آن منصرف شده بودند در حالی که آفتاب یزد در گفتگو با سخنگوی سازمان انتقال خون، از کذب محض بودن چنین پیامی خیسر داد. پیش از این موضوع نیز چندین و چندبار شایعاتی از این دست از سوی مسئولان مختلف تکذیب شد. با وجود شایعاتی که نیامده تکذیب می باشد امید می رفت که دیگر مردم دستشان آمده باشد داستان چوپان های دروغگوی وایبری و فیسبویی را اما گویا این قفسه سر دراز دارد چراکه دو، سه روز است مجددا شایعاتی مبنی بر انتقال ایدز از طریق انجام تست قندخون در وایبر و گروه های موبایلی و مجازی در حال نشر است که ناگفته پیادست چیزی

وزارت بهداشت برنامه ای برای تست قند خون درب منازل ندارد

بعد از انتشار و تکذیب شایعات وایبری و مجازی از قبیل "هشدار...انتقال ایدز از طریق انجام آندوسکوپیی"، "قتل سریالی زنان تهرانی با استفاده از صدای ضبط شده یک کودک" و... حالا نوبت به شایعه ای جدید با مضمون "انتقال ایدز از طریق انجام تست قند خون" شده تا موجبات دلواپسی مردم را مهیا کند؛ دلواپسی که حتی موجب درخواست مخاطبان از روزنامه آفتاب یزد برای اطلاع رسانی در این زمینه شده است که طبق معمول این پیام نیز توسط وزارت بهداشت تکذیب شد

شایعه جدید

انتقال ایدز از طریق تست قند خون!



نیستند جز ادامه همان دورغ های دماغ درازی که هر از گاهی برای خالی نبودن عریضه، عرصه را بر خاطر مردم زودباور تنگ می کنند. دامنه گسترش و تگرانی از این شایعه چنان زیاد شد که حتی مخاطبی در تماس با روزنامه آفتاب یزد عاجزانه درخواست داشت که در این باره به مردم اطلاع رسانی شود

اما برای اطمینان صدرصدی از کذب محض بودن این پیام که

عبارت است از "سلام... یک عده با کارت علوم پزشکی این روزها میان دم در خونه ها برای چک کردن رایگان قند خون... به هیچ وجه به این افراد اجازه ندین چون دارن ویروس ایدز رو پخش می کنن... به بقیه هم خبر بدین..." طی تماس با رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت و مشاور وزیر، صحت و سقم این پیام را پیگیری کردیم تا باشد که لافل بعد از آمدن چنین پیام هایی بر ایمان بی آنکه کوچکترین نگرانی به خود راه همیم فوری آن را حذف کنیم و این بار ما باشیم که به ریش یک مشت انسان بیگار و بی عار که هدفی جز به سخره گرفتن و خط خطی کردن اعصاب مردم ندارند یخندیم. دکتر عباس زارع نژاد در گفتگو با آفتاب یزد با رد این پیام تاکید کرد: وزارت بهداشت و دانشگاه های علوم پزشکی هیچ برنامه ای برای غربالگری به این شیوه که عده ای دانشجو یا دارای کارت علوم پزشکی به در منازل مراجعه کنند و تست قند خون بگیرند نه قبلا داشتیم نه اکنون داریم و نه در آینده خواهیم داشت. وی ادامه داد: احیاناً اگر افرادی تحت این عنوان به در منازل مراجعه کنند طبیعی است که شهروندان ابتدا باید مدرک شناسایی معتبر از آنان بخواهند و چون افراد هیچ مدرکی از وزارت بهداشت و دانشگاه های علوم پزشکی ندارند طبیعی است که آدم عاقل به جای نگرانی وجود نسلدار، زارع نژاد با تاکید بر اینکه مردم باید هوشیار باشند و هر خبری را باور نکنند، اظهار کرد: پلیس باید نشر دهندگان چنین پیام های را شناسایی و مجازات کند تا به این شایعه ها و کلاهبرداری ها دامن زده نشود. وی مجدد تاکید کرد: وزارت بهداشت و دانشگاه های علوم پزشکی برنامه ای برای غربالگری بیماری دیابت به صورت تیمی آن هم در منازل ندارند بلکه تمام برنامه غربالگری دیابت حضور فعال خود مردم در مراکز بهداشتی و درمانی است و اگر قرار بر راه اندازی کمپینی برای بیماری دیابت یا هر بیماری دیگری باشد برنامه ما اینگونه است که مردم خوششان به مراکز درمانی مراجعه می کنند.

بعد از تحریر: هسر پیامی (هرچند خطرناک و هشدار دهنده) که در فضای مجازی منتشر می شود یا حتی دهان به دهان می شنویم یا کسی لزوماً واقعی نیست و فوراً آن را باور نکنیم شاید کسی یا کسانی ما را بازچچه دست خود کرده اند تا به منافع شخصی خود برسند یا ساستی را به ریش من و شما می که با یک پیام از بیخ و بن دروغ به هول و ولا افتاده ایم، بختندند...

آقای احمدی نژاد در سفر های استانی وعده آب می داد تا مردم برایش کف بزنند، همان طور که نفت را در قالب یارانه خرج کرد تا برایش هورا بکشند

مصرف آب خود را هم کاهش دهند در کل منابع آب کشور فقط سه درصد صرفه جویی خواهد شد وی افزود پس بحران آب ربطی به فرهنگ مصرفی مردم ندارد، البته فرهنگ مصرفی مردم باید اصلاح شود، اما ریشه بحران جای دیگری است وی مقصر اصلی مشکلات فعلی کشور در بخش آب را حکمرانان دانست و تاکید کرد برای حل مشکل آب به جای آنکه بر اصلاحات در سطوح بنیادین و زیرین فرهنگ تاکید کنیم که بسیار زمان بر و دیر اثر است، باید اصلاحات را به سرعت از سطوح بالاتر یعنی از حکمرانی و از تخصیص منابع آغاز کنیم و با اشاره به اینکه مسئولان هنوز بحران را باور نکرده اند، گفت: در گذشته با شیوه غلط حکمرانی در حوزه آب، تعادل زبستی چند هزار ساله اقلیم

یک اقتصاددان معتقد است جنگ پراننده آب در ایران هم اکنون به گونه خزنده و ارام شروع شده فقط اخبار آن منتشر نمی شود در حال حاضر این جنگ به صورت پراننده رخ می دهد اما تا پنج سال آینده شاهد جنگ فراگیر آب در داخل شهرها و بین مناطق و ایستگاه های انتقال فعلی رسانی استاد دانشگاه و صاحب نظر اقتصادی در نشست «حقیقش باورها، ارزش ها و سرمایه اجتماعی در حکمرانی آب» با اشاره به اینکه بحران حقیقی ایران، مناقشه هسته ای نیست گفت: این مناقشه دیر با زود حل خواهد بود بحران عریض تر است و مشکل برای ایران ایجاد نخواهد کرد. به گزارش فارس، وی افزود ما بحران آب ایران را خواهد بلعید و امنیت ملی ما تهدید خواهد کرد. امروز میان واقعی جنگ ما در حوزه آب است. بحران آب در آستانه ورود به زیست اجتماعی در کشور است.

محسن رنایی:
تا پنج سال آینده شاهد جنگ فراگیر آب در کشور خواهیم بود



ایران به هم خورده، حالام دوباره به جای بازگشت به روشهای عقلانی و شفاف، باز حکمرانان ما شیوه غلط دیگری را در پیش گرفته اند و آن این است که موضوع بحران آب را کتمان می کنند و گفتگوئی فراگیر در مورد بحران آب را آغاز نمی کنند رانی مهم ترین نقطه آسیب پذیری نظام سیاسی کشور را بحران آب اعلام کرد و افزود: در گذشته تصور می کردم که ممکن است روزی ایران درگیر جنگ با یک کشور خارجی شود و از آن ناحیه آسیب ببیند و بعدها گمان من بر این بود که احتمالاً ما به سوی یک جنگ مذهبی می رویم اما امروز معتقدم اگر برای بحران آب تدبیر عاجلی اندیشیده نشود، جنگ آب به مشکلات خانه و خانه و منطقه به منطقه سراسر کشور را فرا خواهد گرفت. این پنج سال آینده شاهد جنگ فراگیر آب در داخل کشورها و بین مناطق و استانها خواهیم بود به گفته رانی، این آن خطری است که امنیت ما را تهدید می کند و سیاستمداران چشم خود را به روی آن بسته اند وی با اشاره به اینکه ۹۲ درصد آب کشور در بخش کشاورزی مصرف می شود، عنوان کرد: با توجه به سهم شش درصدی آب شرب و سهم دو درصدی صنعت از منابع آب کشور، اگر مردم حتی ۵۰ درصد میزان

مردم در مسئله ایجاد بحران برای آب مهم نیستند
وی خاطر نشان کرد: مردم در مسئله بحران آب متهم نیستند بلکه آنها قربانی سیاست های سیاستمداران شده اند و حکمرانی ناستتبیانه نظام تدبیر در حوزه آب شده اند و اکنون حق نداریم آنها را متهم کنیم. رنایی با اشاره به سهم اندک مردم در ایجاد بحران آب، افزود: سیاستمداران از مردم می خواهند که الگوی مصرف خود را اصلاح و فرهنگ مصرفی خود را تغییر دهند. به گزارش فارس، رنایی ادامه داد: مردم ایران فرهنگ مصرف درست آب را بلد بودند، چرا که توانستند سه هزار سال با اقلیم خشک و کم آب ایران کنار بیایند و تعادلی پایدار بین زیست اقتصادی و اجتماعی خود با طبیعت ایجاد کنند.

سیاستمداران با خطاهای فاحش ما را به بحران آب رسانده اند

وی گفت: اما این بحرانی که اکنون در حوزه آب پدیدار شده و گرفتار آن شده ایم ناشی از حکمرانی غلط در این ۳۰ سال بوده است و سیاستمداران با خطاهای فاحش ما را به بحران رسانده اند و حالا هم انگشت اتهام را به سوی جامعه دراز کرده اند وی تاکید کرد: آمارها نشان می دهد که میزان بارش بار در ۳۰ سال اخیر کاهش چشمگیر نداشته است، بنابراین بحران کنونی

بحران حاصل از یک نظام تدبیر ناتوان و ناکارآمدی در حکمرانی است که ظرفیت و تجربه فرهنگی سه هزار ساله کشور در حوزه الگوی مصرف آب را بر باد داده است وی در پاسخ به کسانی که می گویند باید فرهنگ مصرفی مردم اصلاح شود و باید در حوزه آب کار فرهنگی کرد، وضعیت منابع آب ایران را به بیماری تشبیه کرد که در مرحله تشنج و نزدیک به کما قرار دارد، اما پزشکان برای چنین بیماری تغییر رژیم تغذیه تجویز می کنند رنایی گفت: جنگ پراننده آب در ایران هم اکنون به گونه خزنده و آرام شروع شده و فقط اخبار آن منتشر نمی شود در حال حاضر این جنگ به صورت پراننده رخ می دهد اما تا پنج سال آینده شاهد جنگ فراگیر آب در داخل کشورها و بین مناطق و استانها خواهیم بود به گفته رانی، این آن خطری است که امنیت ما را تهدید می کند و سیاستمداران چشم خود را به روی آن بسته اند وی با اشاره به اینکه ۹۲ درصد آب کشور در بخش کشاورزی مصرف می شود، عنوان کرد: با توجه به سهم شش درصدی آب شرب و سهم دو درصدی صنعت از منابع آب کشور، اگر مردم حتی ۵۰ درصد میزان

مجوز دولت احمدی نژاد برای پروانه دار شدن هزار چاه غیر مجاز

رنایی ادامه داد: دولت احمدی نژاد هم در سال ۸۹، با تصویب قانونی تحت عنوان تعیین تکلیف چاههای آب فاقد پروانه، راه را برای قانونی شدن و پروانه دار شدن دهها هزار چاه غیرقانونی باز کرد وی ادامه داد: بعد از آن این که احمدی نژاد در سفرهای استانی وعده اب می داد تا مردم برایش کف بزنند، همان طور که نفت را در قالب بارانه خرج کرد تا برایش هورا بکشند وی گفت: سیاست ما در این ۳۰ سال در حوزه های اجتماعی و اقتصادی و مبتنی بر راضی نگه داشتن مردم به هر قیمتی بوده است و منافع بین نسلی در آن جایی نداشته است. به اعتقاد این استاد دانشگاه اصفهان گفت: بر اساس اسناد بالادستی توسعه، لازم است فشار جمعیت در استانهایی که با کمبود آب روبه رو هستند کاهش یابد به گفته وی، در حالی که امروز حتی استان را با سطح کمبود آب در تعارض با اسناد بالادستی توسعه کشور است، رنایی تاکید کرد: تنها راه نجات کشور، وجود بحران را پذیرفته و صادقانه به اشتباهات گذشته استواران کرد. آنگاه یک گفتگوئی فراگیر ملی در این زمینه راه اندازی کنند و مشارکت همه گروه های اجتماعی و نهادهای مدنی را در این مسیر جلب کنند و مهم تر از آن همه، اقدام جامع را جلب کنند و جامعه را به این باور برسانند که ما در بحرانیم و باید برای خروج از بحران با حکومت همکاری کنیم.